

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



ویژه نامه:

نقش زنان در روز عاشورا

مدرسه علمیه عصمتیه بابل

تیر ۱۳۹۹

بی تردید یکی از گروه‌های نقش آفرین در نهضت عاشورا، زنان بودند. اگر اسلام با قیام امام حسین علیه السلام زنده است، سهم بزرگی از آن مربوط به زنانی است که تاریخ، مانند آن را کمتر دیده است. زنان در کربلا نشان دادند که تکلیف اجتماعی، خاص مردان نیست، بلکه آنان نیز برابر وظیفه شرعی خود باید به جریان‌های اجتماعی توجه کنند و آنجا که مسئله حمایت از دین و اقامه حق، به میان می‌آید تنها با قیام آنان میسر می‌شود، در صحنه حضور یابند. مؤثرترین عاملی که در پیشرفت هدف امام حسین دخیل بود، همراه آوردن و شرکت زنان در این نهضت عظیم دینی بود.

در پاسخ به این پرسش که چرا زنان در کربلا حضور داشتند، چند نظریه مطرح شده است. با توجه به اینکه هدف امام حسین علیه السلام، اصلاح امت و بازگرداندن آن به سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و آشکار کردن فساد حکومت بنی امیه به ویژه یزید بود، آن حضرت باید با نقشه‌ای دقیق و حساب شده به مردم دنیا ثابت می‌کرد که آنها نمی‌خواهند کسی از خاندان پیامبر زنده بماند و با اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله، بدتر از اسیران و مشرکان و کفار رفتار می‌کنند. این هدف، با توجه به شدت انحرافی که در جامعه پدید آمده بود، جز با قیامی خونین و سرمایه گذاری کلان امکان پذیر نبود. از این رو، امام می‌بایست علاوه بر کشته شدن، پیام الهی خود را نیز به گوش تمام مسلمانان و حتی تمام دنیا می‌رساند. دست‌یابی به این هدف، با ادامه نهضت پس از شهادت ممکن بود و امام حسین علیه السلام با آگاهی از این نکته، اهل بیت خود را به کربلا برد.

در یک جمله می‌توان گفت امام حسین علیه السلام، اهل بیت خود را برای انجام رسالتی بزرگ و ایفای نقشی بسیار مهم در ساختن تاریخی بزرگ همراه برد. زنان در حادثه کربلا وظایف متعدد و بسیار مهمی بر عهده داشتند. در این حماسه خونین بیشتر به نقش آفرین مردان و یارانی که در رکاب حضرت به فوز عظیم شهادت نایل شدند توجه شده است و نقش زنان کمتر مورد توجه بوده است. تنها در حماسه عاشورا از اسوه صبر و مقاومت زینب کبری(س) و نقش وی در پیام رسانی صحبت شده است و نقش دیگر زنان حماسه شعور و شرف و آزادگی مورد غفلت واقع شده است، از این رو در این ویژه نامه به نقش زنان حماسه‌ساز در نهضت عاشورا می‌پردازیم:

۱ - اطاعت از امام حسین (علیه السلام)

زنان کاروان حسینی، با بینشی ژرف، به حمایت از امام حسین(ع) پرداختند. ایشان چه قبل از شروع قیام و چه بعد از آن، حامیانی استوار و فداکار برای مولایشان بودند و این را با ترغیب مردانشان به مبارزه، با خطابه‌های شورانگیز و ... به اثبات رسانیدند. زنان، در قیام حسینی، انسان‌هایی کمال یافته، با هدف، مؤمن

راستین و با اخلاص بودند که با تسلیم محض در برابر اوامر الهی و امامشان توانستند سرافراز از امتحان پروردگار بیرون آیند .

آن گاه که این بانوان بزرگ، به سوی دشمن حمله ور می شدند، هیچ کس نمی توانست آنان را از مبارزه باز دارد . اما هنگامی که امام به ایشان فرمان بازگشت می داد، بی هیچ سخنی به خیمه ها باز می گشتند . این بانوان از موقعیت حساسی که امام در آن قرار داشت، با خبر بودند و به همین منظور، زمینه اضطراب و نگرانی امام را فراهم نمی کردند . و هرگز بر خلاف رضای امام (ع) حرکتی نمی کردند و سراسر وجودشان، آکنده از رضا و تسلیم بود .

۲ - تشویق و ترغیب رزمندگان به مبارزه

یکی از مسایل مهمی که در هر جنگی مورد توجه بوده است، روحیه جنگاوران است و زنان این مهم را بر عهده داشتند چه در جنگهای صدر اسلام و چه در جنگهای دیگر. در کربلا نیز حضور تشویق آمیز زنان در جبهه به رزمندگان روحیه می بخشید و همسران و مادران شهدا آنها را تشویق به یاری امام معصوم می کردند. در روز عاشورا، آن گاه که جنگی نابرابر میان سپاه دشمن و امام حسین(ع) و یارانش در حال وقوع بود، زنان دلیر و پاکباز، با آگاهی از نتیجه ظاهری جنگ، مردان خویش را به مبارزه علیه نابخردان و نامردمان ترغیب نمودند . آنان به چنان درجه ای از اعتقاد رسیده بودند که در برابر خدا، تسلیم محض بودند . اگر کمی دقت نماییم، می بینیم که آنان می توانستند دنیا را بر آخرت و عقاید خویش ترجیح داده و با اصرار از همسران خود بخواهند که از معرکه بگریزند . اما نه تنها این کار را نکردند، بلکه مشوق مردانشان برای مبارزه و حفظ اسلام بودند . تاریخ عاشورا نمونه های متعددی از این بزرگواران را به ما معرفی می نماید:

یکی از این بانوان، «ام وهب» همسر عبدالله بن عمیر بود . وقتی که عبدالله قصد پیوستن به سپاه امام را داشت، همسرش نیز با او به کاروان امام پیوست . او در روز عاشورا، با تشویق همسرش به نبرد، به یاری او شتافت . و آن گاه که بر سر پیکر پاک همسرش حاضر گشت، توسط سپاه دشمن به شهادت رسید . او تنها زن شهید در میدان کربلا بود. (احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۳؛ محمد بن جریر طبری، همان، ص ۴۳۷)

«بحریه» مادر عمرو بن جناده، زن سلحشور دیگری بود، که پس از شهادت همسرش در روز عاشورا، پسرش را به حمایت از امام و رفتن به میدان امر کرد . پس از شهادت پسر، دشمن سر بریده او را به سوی مادر پرتاب کرد، اما این شیر زن، با افتخار، سر فرزند را دوباره به سوی سپاه دشمن پرتاب نمود و گفت: ما چیزی را که در راه خدا داده ایم، باز پس نمی گیریم. (عبدالله ممقانی، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۳، ص ۸۳؛ محمد بن جریر طبری، همان، ص ۳۵۳)

زن زهیر بن قین بجلی با تشویق شوهر خویش به پیوستن به امام حسین (ع) نام خود را در تاریخ پر افتخار برای همیشه ثبت کرد. وقتی فرستاده امام نزد زهیر آمد و او را خواست همسر زهیر؛ یعنی دلهم دختر عمرو به زهیر که ابتدا نمی خواست نزد حسین (ع) بیاید، گفت: سبحان الله چه مانعی دارد که نزد وی شرفیاب شوی و سخن او را بشنوی و باز آیی؟ (آیتی، محمد ابراهیم، بررسی تاریخ عاشورا، ص ۱۵۸، تهران، صدوق، ۱۳۷۲، هشتم) زهیر تحت تاثیر سخنان همسرش نزد امام حسین (ع) آمد و آن تحول روحی در او ایجاد شد و سپس از یاران باوفای امام حسین (علیه السلام) شد. و در کربلا به شهادت رسید.

۳ - صبر و ایثار و مقاومت

زنان حاضر در کربلا با وجود شهادت نزدیکان خویش، نه تنها خود پایدار و استوار ماندند، بلکه دیگران را نیز در این راه دلداری دادند. روحیه مقاومت و تحمل زنان در مقابل شهادت مردان اسلام در کربلا از درسهای نهضت عاشورا بود که اوج این صبوری در رفتار زینب کبری (س) جلوه گر شد. آموزش صبر و مقاومت حماسه عاشورا در زنان آگاه و مبارز متجلی شده است و بردباری و ایثار زنان و مادران شهدا از جمله مسائل شگفت انگیز واقعه کربلاست. آنان به رهبری زینب (ع) از عزیزترین سرمایه های عمر خود، در راه عقیده و اندیشه های متعالی خویش گذشتند. مرگ برادران، در خون غلتیدن شوهران، و حتی شهادت فرزندان نتوانست، گام های ایشان را در راه هدفشان متزلزل سازد.

بعضی از آنان، در نهایت ادب و اخلاص، حتی برای گرفتن پیکر پاک شهدایشان از خیمه ها بیرون نمی آمدند و احساسات خود را مخفی کرده و صدا به گریه و شیون بلند نمی کردند، تا مبادا امام حسین (ع) در مقابل آن ها شرمنده گردد.

هنگامی که امام (ع)، پیکر پاک علی اصغر را پشت خیم آورد تا دفن نماید، مادر علی اصغر برای دفن او حاضر نشد. همین طور وقتی که پیکر بی جان علی اکبر و قاسم را آوردند، مادران آن ها از خیمه بیرون نیامدند. حضرت زینب (ع) نیز پس از شهادت دو فرزندش، بیرون نیامد تا امام (ع) شرمنده نگردد. (نقش زنان مسلمان در صدر اسلام، ص ۲۶) او زمانی که از شهادت علی اکبر با خبر شد، درحالی که صدا می زد: «واحبیباه و ابن أخیاه...» برای دلداری حسین علیه السلام به استقبال او شتافت.

و این ایثاری ظریف و مقاومتی بی نظیر است که در روز عاشورا به نمایش گذاشته شد. روحیه مقاومت و تحمل زنان به شهادت ها در کربلا حماسه دیگری از حضور زنان در آن نهضت عظیم بود. اوج آن صبوری و پایداری در رفتار و روحیات زینب کبری (س) جلوه گر بود.

۴ - شرکت مستقیم در نبرد

شرکت در جبهه پیکار و همدلی با نهضت مردانه امام حسین(ع) و مشارکت در ابعاد مختلف آن، از جلوه‌های این حضور است. از همکاری «طوعه» در کوفه با نهضت مسلم و همراهی همسران برخی از شهدای کربلا گرفته تا اعتراض و انتقاد برخی همسران سپاه کوفه به جنایتهای شوهرانشان مثل «خولی» نمونه‌هایی از این دست است. زنان در اکثر جنگ‌های صدر اسلام شرکت داشتند، اما نقش زنان در عاشورا نقشی متفاوت بود. جنگ نابرابر، احساسات عمیق زنان را برانگیخت و بعضی از آن‌ها، برای حمایت از امام حسین(ع)، به صحنه نبرد آمدند و با تیرک خیمه که تنها سلاح آنان بود، به سوی دشمن هجوم بردند و تعدادی از سپاهیان کفر و نفاق را به هلاکت رساندند. «بحریه» مادر عمرو بن جناده و ام وهب شرکت در جبهه پیکار و همدلی و همراهی با نهضت مردانه امام حسین(ع) و مشارکت در ابعاد مختلف آن از جلوه‌های این حضور است. چه همکاری طوعه در کوفه با نهضت مسلم، چه همراهی همسران برخی از شهدای کربلا، چه حتی اعتراض و انتقاد برخی همسران سپاه کوفه به جنایتهای شوهرانشان مثل زن خولی. همسر عبدالله بن عمیر از جمله این سلحشورانند. احمد بن یحیی بلاذری، همان)

طبری می‌نویسد: «ام وهب (پس از این که شوهرش به میدان جنگ رفته بود) چماقی برگرفت و سوی شوهر خویش رفت و می‌گفت: «پدر و مادرم بفرماید! از پاکان، از باقیماندهگان محمد دفاع کن. عبدالله سوی وی آمد که او را پیش زنان ببرد و زن جامه وی را گرفته بود می‌کشید و می‌گفت: باید من هم با تو بمیرم. حسین آن زن را ندا داد و گفت: خدا شما خاندان را پاداش نیک دهد، ای زن خدایت رحمت آرد، پیش زنان بازگرد و با آنها بنشین که بر زنان پیکار (واجب) نیست. وام وهب پیش زنان بازگشت. (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۳۰) در روز عاشورا، برخی زنان همانند مردان وارد صحنه کارزار شدند که از جمله می‌توان به همسر عبدالله بن عمیر کلبی اشاره کرد. او دو بار در میدان نبرد حاضر شد و شجاعت و رزمندگی خود را در مقابل مردان سپاه یزید به نمایش گذارد. کم سن و سالترین شهید کربلا از یاران امام، عمرو بن جناده یازده ساله بود. این شهید سعید، از شهدای نوجوان کربلاست که پدرش نیز در رکاب حضرت امام حسین(ع) به شهادت رسید. وقتی که این نوجوان شجاع خواست به میدان رزم برود، امام فرمودند: پدر این جوان به شهادت رسید، شاید مادرش راضی نباشد که به میدان برود.

- عمرو عرض کرد: مادرم دستور داده که به میدان بروم و لباس رزم بر من پوشانده است.

بعد او که نه یا یازده ساله بود، به میدان رفت و رجز خواند و جنگید تا شربت شیرین شهادت را نوشید. سر او را به طرف سپاه امام حسین(ع) افکندند، مادرش - که مشخصات ایشان را بحریه بنت مسعود خزرجی ضبط کرده‌اند - آن سر مطهر را برداشت و گفت: پسر من! ای شادی قلبم! ای نور دیده‌ام! چه نیکو جهاد کردی، سپس

سر را پرتاب کرد و با آن یکی از لشکریان کوفه و شام را به هلاکت رساند، آنگاه چوبه خیمه را برداشت و حمله‌ور شد که با آن بجنگد، (اما) امام حسین(ع) مانع شد و او را به خیمه زنان برگرداند.

۵- آرام کردن کودکان و تسلی آنان

وظیفه زنان، در روز عاشور، بسیار سنگین بود. آنان علاوه بر این که شاهد شهادت مردانشان بودند، بایستی کودکان تشنه و مضطرب را آرام می ساختند تا مبادا صدای گریه آن‌ها، دیگر رزمندگان را دچار تزلزل کند. آن گاه که خیمه‌ها آتش گرفت و کودکان هراسان به بیابان گریختند، این زنان بودند که جگر گوشه‌های آل رسول را پیدا کردند، در آغوش کشیدند و آرام نمودند. و بدین ترتیب بود که کوه‌ها در مقابل استقامت زنان کربلایی، سر تعظیم فرو آوردند و صحراها در برابر وسعت وجودی ایشان احساس حقارت کردند.

۷. مدیریت

تأثیر غیر مستقیم زن در ساختار جامعه بشری و نقش بی بدیل آن در پرورش مرد را حتی متعصب‌ترین نظریه پردازان علوم انسانی و جامعه‌شناسی، پذیرفته‌اند، بنابراین، می‌توان چنان تعبیر کرد که زن، مرد را و مرد جامعه را می‌سازد. به تعبیر امام بزرگوار امت «قدس سره» «از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود». نقش حضرت زینب (س) در نهضت عاشورا و سرپرستی کاروان اسراء، درس مدیریت در شرایط بحران را می‌آموزد. وی مجموعه بازمانده را در راستای اهداف نهضت، هدایت کرد و با هر اقدام، خنثی کننده نتایج عاشورا از سوی دشمن مقابله کرد و نقشه‌های آنان را خنثی ساخت.

۸. حفظ ارزش‌ها

درس دیگر زنان قهرمان در کربلا، حفظ ارزش‌های دینی و اعتراض به هتک حرمت خاندان نبوت و رعایت عفاف و حجاب در برابر چشم‌های آلوده است. زنان اهل بیت(ع)، با آنکه اسیر بودند، اما اعتراض کنان، بر حفظ عفاف تاکید می‌ورزیدند. ام کلثوم در کوفه فریاد کشید که آیا شرم نمی‌کنید برای تماشای اهل بیت پیامبر(ص) جمع شده‌اید؟ وقتی هم در کوفه در خانه‌ای بازداشت بودند، حضرت زینب(س) اجازه نداد جز کنیزان وارد آن خانه شوند. در سخنرانی خود در کاخ یزید نیز بر این گونه گرداندن بانوان شهر به شهر، اعتراض کرد: «امن العدل یابن الیقاء تخدیرک حرائرک و امائک و سوقک بنات رسول الله سبایا قد هتکت ستورهن و ابدیت وجوههن یحدو بهن الاعداء من بلد الی بلد و یستشرفهن اهل المناهل و المعائل و یتصفح وجوههن القریب و البعید و الغائب و الشهید...» (ابن ابی طیفور، بلاغات النساء، قم، مکتبه بصیرتی، ص ۲۰) و نمونه‌های دیگری را از سخنان و کارها که همه درس آموز عفت و دفاع از ارزش‌هاست.

۹. تغییر ماهیت اسارت

اهتمام زنان اهل بیت به خطبه و خطابه در فرصت‌های مختلف، با بودن امام علی بن الحسین، همه برای این بوده که مانع تحریف حادثه کربلا شوند (چه لفظی و چه معنوی). متن آن چه واقع شده بود را به صورت خطبه و خطابه بیان کردند و هدف امام را هم تشریح کردند. راز مطلب این است که حسین می‌خواهد از راه شهادت، ماده‌ای تهیه کند که با تبلیغ روی آن، برای ابد دستگاه اموی را رسوا سازد و آیین ظلم و ستم آنان را محکوم نماید.

مرگ و شهادت رکن اساسی و هسته مرکزی نقشه حسین است، اگر صحنه لرزاننده کربلا به وجود نیاید، زینب کبری و زین العابدین با کدام سرمایه می‌توانند قدم در راه تبلیغ گذارند و با کدام حربه می‌توانند پیکر ظلم اموی را در هم کوبند؟

آنان اسارت را به آزادی بخشی تبدیل کردند و در قالب اسارت، به اسیران واقعی درس حریت و آزادی دادند. (برگرفته از کتاب فرهنگ عاشورا نوشته جواد محدثی) زن عاشورایی با پیروی از زینب علیهاالسلام، باید انسان ساز و جامعه ساز باشد. زینبی که با خطبه‌های آتشین خود، افزون بر رسوا کردن حکومت بنی امیه، افکار عمومی را روشن کرد و جرقه نهضت‌های بعدی همچون قیام توابع را زد.

خاندان امام حسین در جاهای مختلف و حساس طوری ناله و گریه نموده‌اند که حتی دشمنان را هم منقلب و متأثر ساخته‌اند. این گریه‌ها آن روزمانند شعله سوزانی بود که بر خرمن هستی و کاخ‌های بیداد حکومت بنی امیه می‌افتاد و نابودش می‌کرد. شهادت امام حسین و یاران وی با آن وضع رقت بار، آنقدر مردم را متأثر نمی‌کرد که ناله‌ها و گریه‌های بانوان، مردم را تحت تاثیر قرار می‌داد. ناله و گریه بانوان در روز عاشورا، مجلس ابن زیاد و یزید و سایر جاها پس از واقعه کربلا گویای یک نسیم جان‌افزا و حیات بخشی بود که هر ساعت بر پیکره این نهضت عظم می‌دمید، بر افروخته‌تر می‌کرد و درهمه جا آن را زنده نگه می‌داشت و نمی‌گذاشت نفوذ بنی امیه آن را از بین ببرد و بی اثر نماید. در شهر کوفه، شام، مدینه و بین راه‌ها با گریه‌ها و ناله‌های جان‌سوز خود، طوری شهادت و واقعه عاشورا را مجسم می‌ساختند، گویا مردم آن واقعه اسف بار را دیدند. در تنگای اسارت شام، دشمن را به خفت رسانده، تا اینکه یزید تصمیم گرفت برای نجات ادامه حکومتش اسیران را آزاد کند و با احترام خاصی به مدینه برگرداند.

۱۰. دفاع از امام

عصر عاشورا هنگامی که حضرت زینب (س) مشاهده کرد امام حسین (ع) روی زمین افتاده و دشمنان جنایت کار اطراف پیکر مطهر وی را با هدف کشتن ایشان گرفته‌اند، از خیمه بیرون آمد و خطاب به عمر سعد، به عنوان سرزنش فرمود: یابن سعد! ایقتل ابو عبدالله و انت تنظر الیه؟» (مطهری، مرتضی، حماسه حسینی،

ج ۱، ص ۳۳۲، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، چاپ بیست و یکم) فرزند سعد! آیا ابوعبدالله کشته می‌شود و تو تماشا می‌کنی؟! او هیچ جوابی نداد و روی از حضرت زینب (س) برگرداند، در یک مرحله دیگر زینب تلاش کرد تا شاید از کشته شدن امام حسین (ع) جلوگیری نماید. از این رو، خطاب به آن مزدوران نمود و گفت: «اما فیکم مسلم؟» (قمی، شیخ عباس، منتهی الامال، ترجمه به عربی سید هاشم میلانی، ج ۱، ص ۷۰۱، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۲ پنجم) آیا در بین شما یک نفر مسلمان نیست؟ باز هیچ کس پاسخی نداد. وقتی امام حسین (ع) از روی اسب بر روی زمین افتاد، زینب کبری (س) فریاد برآورد: «وا اخاه، وا سیداه، وا اهل بیتاه، لیت السماء انطبقت علی الارض...» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۵۴، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳)

حضرت زینب (س) در مجلس ابن زیاد از امام سجاد (ع) حمایت و پشتیبانی کرد. وقتی در مجلس ابن زیاد وی دستور قتل امام سجاد (ع) را صادر کرد، «زینب برادرزاده اش را در آغوش گرفت و گفت: ای ابن زیاد، آنچه کردی بس است آیا از خون ما سیراب نشدی و آیا کسی از ما باقی گذاشتی؟.. من تو را به خدا سوگند می‌دهم اگر بخواهی او را بکشی، مرا هم با او بکش. «فان کنت عزمتم علی قتله فاقتلنی معه.» (طبری، محمد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۵، ص ۴۵۸)

۱۱. پرستاری

رسیدگی به بیماران و مداوای مجروحان از دیگر نقش‌های زنان در جبهه‌ها، از جمله در حماسه عاشورا است. نقش پرستاری و مراقبت حضرت زینب (س) از امام سجاد (ع) یکی از این نمونه‌هاست.

شهادت امام حسین (ع) برای فرزند بزرگوار ایشان امام سجاد (ع) بسیار سخت و طاقت فرسا بود. روز یازدهم محرم امام سجاد (ع) کنار گودال قتلگاه سوار بر شتر بود و به بدن پاره پاره پدر نگاه می‌کرد. حضرت زینب (س) دید الان است که روح از بدن مبارک آن حضرت خارج شود، نزد فرزند برادر آمد و صدا زد: «مالی اراک تجود بنفسک یا بقیه جدی و ابی و اخوتی؛ (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۵۷) ای یادگار جد و پدر و برادرم چه شده چرا خودت را هلاک می‌کنی؟ سپس حضرت را تسلیت داد و حدیث ام ایمن را برای امام سجاد (ع) خواند. «حدثتني ام ایمن ان رسول الله زار منزل فاطمه...» (قمی، جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۷۵) در بخشی از این حدیث حضرت زینب (س) به امام سجاد (ع) عرض کرد: پسر برادر! از جد ما چنین روایت شده است که حسین (ع) همین جا، که اکنون جسد او را می‌بینی، بدون اینکه کفنی داشته باشد دفن می‌شود و همین جا، قبر حسین (ع)، زیارتگاه خواهد شد. «مالی اراک تجود بنفسک یا بقیه جدی و اخوتی فوالله ان هذا عهد من الله الی جدک و ابیک.» (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۷۹)

شیخ جعفر شوشتري می‌نویسد: «ولما قتل الحسين (ع) كانت زینب هی التي تسلی الامام زین العابدین (ع) لانه کان مریضا و هذه مرتبه عظیم لزینب؛ وقتی امام حسین (ع) به شهادت رسید، زینب به امام سجاد (ع)

تسلی می‌داد چرا که امام سجاد (ع) مریض بود، و این مقام بزرگی برای زینب (س) است.» (نقدی، شیخ جعفر، الانوار العلویه، ص ۴۳۵، نجف، الحیدریه، ۱۳۸۱ به نقل از الخصائص الحسینیة) (ع)

از دیگر وظایف بانوان، پرستاری از بیماران و مجروحان و کودکان بود. پیش از واقعه، مراقبت از بیماران کاروان را بر عهده داشتند، چنان که در شب عاشورا و پس از واقعه عاشورا، زینب علیهاالسلام سرگرم پرستاری از امام زین العابدین علیه السلام بود. وی پس از شهادت امام حسین علیه السلام و در زمان اسارت نیز با وجود آشفتگی شدید روحی، نگه داری کودکان و مراقبت از آنها را عهده دار شد.

۱۲. سرپرستی کاروان اسرای کربلا

پس از شهادت امام حسین (ع) وظیفه قافله سالاری بر عهده زینب (س) گذاشته شد. چون یگانه مرد؛ یعنی زین العابدین (ع) در این وقت به شدت مریض است. زینب (س) علاوه بر حفاظت از جان امام سجاد (علیه السلام) می‌بایست از اطفال و فرزندان قافله اسیران نیز محافظت کند. آن بانوی گرامی از همان عصر عاشورا به دستور امام سجاد (ع) مامور شد زنان و کودکان آواره را در خیمه‌ای جمع کند. سعی و تلاش زینب (س) در محافظت از اسرا به حدی بود که به لقب «امنیة الله» ملقب شد. (جزایری، نور الدین، الخصائص الزینبیه، ص ۷۷، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۹، دوم) چرا که اسرا امانت‌هایی بودند، که به دست آن حضرت سپرده شده بودند. امام سجاد (ع) در این سفر در همه امور با زینب مشورت می‌کرد، چرا که زینب را غمگسار اسیران و پرستار یتیمان می‌دانست.

۱۳. پیام رسانی و عزاداری

زن عاشورایی از غروب عاشورا تا آخرالزمان، پیام آور این حادثه بزرگ انسانی و حماسه سازی دوباره است. حماسه ای که در آن، رهبری نهضت خونین برادر در سرزمین بیگانه، جنگ تبلیغی با تحریف گران پیام‌های عاشورا، دل‌جویی از کودکان و زنان داغ دیده، مقابله با بی رحم ترین دژخیمان زمان، تحمل سختی و اسارت عزیزان و گرسنگی و خستگی طاقت فرسا در آن موج می‌زند. افشاگری جنایات یزیدیان چه در سفر اسارت و چه پس از بازگشت به مدینه، به معنای پاسداری از خون شهدا بود. افشاگری بانوان به دو صورت، خطبه و گفتگوهای پراکنده صورت پذیرفت، و اگر پیام رسانی زینب کبری (س) و بقیه زنان نبود، امروز حماسه عاشورا به این روشنی برای شیعه تجلی نمی‌کرد و چه بسا آن واقعه عظیم عظیم می‌ماند. زنان مخصوصاً حضرت زینب، رباب، ام کلثوم و فاطمه دختر امام حسین (ع) تلاش می‌کردند در هر فرصتی با یادآوری مصائب امام حسین (ع) در ماندگاری این حماسه عظیم نقش ایفا کنند.

حضرت زینب (س) با سخنان جان سوز خویش همگان را به گریه می‌انداخت و تلاش می‌کرد در هر فرصتی با یادآوری مصائب امام حسین (ع) در ماندگاری این حماسه عظیم نقش ایفا کند. شهید مطهری می‌نویسد:

مجلس عزای حسین (ع) را برای اولین بار زینب بر پا کرد. (مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۳۳۳، تهران، صدرا، ۱۳۷۳، چاپ بیست و یکم)

پس از شهادت امام حسین (ع) و احتمالاً در روز یازدهم محرم اهل بیت (ع) در خواست کردند که آنها را از محل قتل شهدا عبور دهند. «قلن بحق الله الا مررتم علی مصرع الحسین» (سید بن طاووس، اللهوف فی قتلی الطفوف، ص ۷۸) راوی می‌گوید: به خدا قسم زینب دختر علی (علیه‌السلام) را فراموش نمی‌کنم که با صوتی حزین و قلبی شکسته فریاد می‌کردای رسول خدا درود فرشتگان خدا بر تو باد این پیکر عریان حسین است که در خون آغشته است. (ابومخنف، مقتل الحسین، ص ۲۰۳-۲۰۴، قم، کتابخانه مرعشی نجفی، ۱۳۹۸) عصر روز یازدهم محرم آن چنان دل سوز گریه کرد که «فابکت علیه کل عدو و صديق». هر دوست و دشمنی به گریه افتاد. (مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۵۹)

در شام نیز حضرت زینب در محله‌ای به نام دار الحجاره که محل اقامت اسرا بود، مجلس عزاداری برای امام حسین (ع) برپا کرد به گونه‌ای که یزید از حضور اهل بیت (ع) در شام احساس خطر کرد و دستور بازگشت آنها را به مدینه صادر کرد.

مهم ترین و مشکل ترین وظیفه ای که پس از شهادت امام حسین علیه السلام برعهده بانوان قرار گرفت، رساندن پیام شهیدان و هدف قیام امام حسین (ع) به گوش مردم آن زمان بود. نامیرایی قیام امام، به حضرت زینب(س) در کربلا وابسته است، زینب(س) بنا به وصیت برادرش، امام حسین(ع)، تلاش هایی کرد که اگر آنها را انجام نمی داد، شاید امروز نامی از عاشورا و عاشوراییان بر زبان ها نبود و پیام نهضت اباعبدالله علیه السلام در کربلا همراه با اجساد مطهرشان مدفون می‌شد و به کسی نمی رسید. زینب(س) با فعالیت های همراه با سیاست و کیاست خود از عهده وظیفه خبررسانی واقعه عاشورا به خوبی برآمد. شاخص های خبررسانی کاروان اسیران به رهبری حضرت زینب علیهاالسلام الگو و ره توشه ای مناسب برای تمامی خیر رسانان جهان خواهد بود.

نتیجه:

اگر امام حسین علیه السلام بدون اهل بیت خویش به کربلا می‌رفت و در آنجا به شهادت می‌رسید، تاریخ، این حادثه را فقط از منظر دشمنان ثبت می‌کرد و بی‌تردید، اصل واقعه، کاملاً وارونه جلوه می‌یافت. در این میان، بانوان اهل بیت علیهم السلام به رهبری زینب کبرا علیهاالسلام نگذاشتند جنایت‌های بنی امیه پنهان بماند و حاملان صدیق رسالت عاشورا، نهضت کربلا را زنده نگه داشتند.

آنها علاوه بر محافظت از کودکان، به حمایت و تشویق مردان جهت مبارزه با دشمن می‌پرداختند. مهمترین رسالتی که بر عهده زنان خصوصاً بر عهده حضرت زینب (س) و اهل بیت امام حسین (ع) گذاشته شده بود،

این بود که حوادث کربلا را برای دیگران بازگو کنند، پیام آن حضرت را به همگان برسانند و تلاش کنند که حادثه کربلا برای همیشه زنده بماند. حضرت زینب (س) در این حادثه وظیفه پرستاری از امام سجاد (ع) را نیز بر عهده داشت. علاوه بر این سرپرستی کاروان اسرای کربلا نیز با ایشان بود. وظیفه جهادگری و مبارزه با دشمن هر چند از دوش زنان برداشته شده بود؛ اما بعضا زنان حاضر در صحنه کربلا با حضور در میدان نبرد و مبارزه با دشمن، نام خویش را برای همیشه در تاریخ ثبت کردند.



پایگاه - ابصالح - المهدی # معاونت فرهنگی و پژوهشی # هسته - پژوهش -

مدرسه - علمیه - عصمتیه - بابل

تیر ۱۳۹۹